

«مادر لطفی» درگذشت!

این نماد پرآوازه خاوران، فراموش ناشدنی است!

فروغ تاجبخش که همگان او را به "مادر لطفی" می‌شناختند، با چشم پوشیدن برجهان، بسیاری از درونمرز و برونمرز را در اندوه نشانند و رفت. او برای خیلی‌ها یک یار و یاور و برای شماری زیادی مادری دلسوز بود.

پنج دهه از زیست نودساله‌ی مادر لطفی یا به دلهره و سوگواری گذشت یا که ایستادگی و همدردی. از لحظه گام نهادن فرزندش انوشیروان لطفی در سیاست تا سحرگاه ۲۱ بهمن ۹۷، که با خیل دوستدارانش برای همیشه وداع گفت.

این "ننه دلاور" را، هم شکنجه‌گران "کمیته مشترک" و اوین شاه به پیگیری وضع فرزند می‌شناختند و هم قاتلان هزاران

انسان در چهل سال گذشته، چونان پرسشگری جسور پیرامون جنایت. مادر لطفی از ستبر پایه‌های جنبش دادخواهی جان‌باختگان زیر شکنجه‌های مرگبار و پای چوبه‌های دار نظام اسلامی بود.



او در هر سالروز کشتار تابستان سال ۶۷، در ایام نوروز و یا که در مناسبت‌هایی، به بازماندگان شمار زیادی از جان‌باختگان تلفن می‌زد و در منزلش پذیرای آن‌ها می‌شد. خانه‌ی مادر، برای هر دردمند عزیز از دست‌داده، یک میعادگاه به شمار می‌رفت. او برای جوانانی از این‌رنج دیدگان، جشن راه می‌انداخت و به خانه‌هایشان شادی می‌برد. منزلگه امید بود و هر داغدار و داغدیده از دست این نظام خونریز را، یک سنگ صبور. بخشنده مادری که بر هدایای دریافتی از دوستدارانش، خود نیز چیزی می‌افزود تا نیازمندی از میان بازماندگان را دلشاد سازد. خود در دل گریان بود اما با دیگر دردمندان، گشاده‌رو و خندان. روحیه می‌داد و امید می‌آفرید. بزرگواری‌اش در همین "کوچک" کارهایش بود طی همه‌ی سی سال گذشته، و زندگی‌اش گذران به همین بزرگی‌ها. مهرورزی پیش او یک پیشه بود و خلق‌و‌خو؛ که مبارزه سترگ علیه حکومتی قاتل را بی‌صدا پیش می‌برد.

اقدام تاریخی ماندگار مادر لطفی در سپهر سیاسی ایران، بنیانگذاری نهاد "مادران خاوران" بود به همراه همانند دردکشیدگانی پیگیر، از پیرسال و میانسال گرفته تا جوان و کودک. او با مایه‌گزاری از جان‌ودل، این نهال آب‌داده با اشک و خون را تا به آخر مراقب ماند و در این گزینش درخور ارزش بسیار و توأم با ابراز اراده برای آن، هرگز از پا ننشست.

"مادران خاوران" دست در دست هم، از فروبردن انگشتان زخمناک جستجوگر در خاک سرد و سفت گورهای بی‌نام‌ونشان خاوران آغاز کردند تا نشانه‌ای از فرزندان برگیرند. این جمع، و مادر لطفی در زمره ثابت‌قدم‌های آن، خیزش برای درهم شکستن سکوت گورستانی درباره قربانیان جمهوری اسلامی را از زمهریر زمستان تا تفتان تابستان و زیر دشنام و باطوم "سربازان گمنام امام زمان" پایدار نگهداشتند تا به بر بنشانند. آن‌ها کامیاب شدند و او یکی از برجستگان آن "خاوران" همیشه گریان، که اینک سر در گریبان غم برای این مادر نیز می‌گیرد.

مادر لطفی اما خوش‌بیار هم بود که توانست شاهد قدرشناسی فرزندانش شود. به خاطر هر آنچه توانست انجام دهد و برایشان به جان بکوشد. حدوداً پنج سال پیش بود که جمعی از فدائیان خلق، طی مراسمی برای بزرگداشت مادر لطفی در پاریس، تلاش‌های سترگ وی را ستودند و در ابراز احترام به مبارزه شایان او و نهاد "مادران خاوران" در شکستن سکوت علیه جنایت، بپا خاستند و دست و روی این سپیدمو را بوسه‌باران کردند. در متن خوانده‌شده به این مناسبت، وقتی مادر لطفی این شنید که کار "مادران خاوران" ایران با مادران میدان "مابورکای" بوینوس آیرس، مادران حماسه‌سرای آن سرهنگان، دادخواهان شیلی پینوشه و دیگر بازماندگان بپا خاسته علیه جباران در هرکجای جهان پهلو زده و هم‌ارز ارزیابی می‌شود، شادی و غرور را در عمق چشمانش به شکوفه نشانند. پیام، چنین پایان می‌یافت: "مادر! این گردآمدن به حرمت تست ولی از طریق تو به یاد و احترام همه مادران، پدران، همسران و فرزندان جان‌باختگان راه آزادی در هر دو حکومت شاه و جمهوری اسلامی. این بزرگداشت‌ها بیگمان در قیاس با مرارت دیدن‌های شماها هنوز قطره را مانند در برابر دریا. ما را کجا توان آن است تا سپاسگزار و شایسته ارج نهی تو و دردکشیدگانی چون تو باشیم؟ پس بگذار به همان جاودانه‌ترین نشانه‌ی هستی عمل کنیم که زیباترین نیز هست. چونان فرزند، بر دستان مهربان تو

گرامی بانو، بر گونه‌های همواره زندگی گونه‌ات و بر سپیدموی مادرانه‌ات، بوسه‌ای قدردان زنیم و ترا رفیق مادر خطاب کنیم!»

"خاوران" مگر از حافظه‌ها پاک می‌شود؟ به خاطر سپاری آن در گستره وسیع، تازه در آغاز راه است. "مادران خاوران" کی از یاد می‌روند؟ که امر برپایی و ماندگارسازی دادخواهی، ثبت تاریخ است. و نام مادر لطفی کجا و چگونه زدودنی از صفحه تاریخ؟ او رفیق مادری است فراموش ناشدنی.

هیئت سیاسی - اجرایی حزب چپ ایران (فدائیان خلق)

۱۳ فوریه ۲۰۱۹

۲۴ بهمن ۱۳۹۷